

«یلدا در باغ فیض» کاری از رادیو تهران

شبکه رادیویی تهران همچون سال های گذشته با ویژه برنامه های شب یلدایی از جمله «یلدا در باغ فیض» مهمان خانه های گرم مخاطبان است. محمد بخشایش، تهیه کننده برنامه «یلدا در باغ فیض» از رادیو تهران، گفت: گروه اخلاق و زندگی شهروندی رادیو تهران از ساعت ۲۱ تا ۲۴ به صورت زنده ویژه برنامه یلدا در باغ فیض را تقدیم مخاطبان می کند. وی با اشاره به بخش های مختلف این برنامه، افزود: بخشی با

عنوان نوستالژیک طراحی شده که در این بخش با پدربزرگ ها و مادر بزرگ ها درباره آداب و رسوم شب یلدا گفتگو می شود. بخش ترانه خوانی و اجرای موسیقی زنده با مرور ترانه های یلدایی و نمایش های طنز خواهیم داشت. جواد تشکری و نیما اعتصام مجری، مجتبی احمدی سردبیر، زهرا رحیم حسینی و شادی شیخ زاده ایتیم ساز و آقای طاهری نویسنده، عواملی هستند که با این برنامه همکاری می کنند. بخشایش با اشاره به برنامه

هنرمندان در گفت وگو با «جام جم» از «یلدا» می گویند

سرخی خاطره های شب بلند

از خانواده و این بار همه تلفن های همراه را کنار در گذاشته اند و حافظ را دست به دست می کنند و هرکدام یک شعر می خوانند. پدر بزرگ از مدل خواندن بچه ها و آشنا نبودن شان خنده اش گرفته. اشک شوق و خنده با هم غلت می خورند و دست در دست هم از چین و شکن های صورت پدر بزرگ پایین می آیند. چنین یلدایی نه دور است و نه از یاد رفته. فقط باید دل به آن داد و همراه شد. شب یلدا خیلی طولانی نیست. چه بسا که وقتی با خانواده می گذرد، کوتاه تر هم می شود. به بهانه این شب طولانی و ماندگار، با برخی هنرمندان رادیو و تلویزیون گفت وگو کردیم و خاطره آنها را از این شب امیل ایرانی جویا شدیم.



اتفاق تلخ یلدایی و رفاقت های جدید

فاطمه آل عباس، گوینده رادیو: از یلدا خاطره زیادی دارم اما یک خاطره برایم ماندگار شد. نمی خواهم بگویم خاطره تلخ چون بخشی از کار ماست. حدود سه یلدای قبل و شروع کرونا، با یک گروه در برنامه «شب ایرانی» شبکه جام جم برنامه داشتیم. یک برنامه ویژه شب یلدا داشتیم که خیلی به ما خوش گذشت و برنامه خوب و ویژه ای بود. خاطره ای که از آن شب دارم این است که یک عزیزی آن شب برایم گلدان گل هدیه آورد و برنامه را با حال و حس خوب به پایان رساندیم. من تازه می خواستم بعد از برنامه با خانواده مراسم یلدا را بگذرانم که اواخر شب بود اما آن شب به یک خاطره تلخ و شیرین برایم تبدیل شد. وقتی می خواستیم از یله ها پایین بیایم، من و گلدان با هم سقوط کردیم و من هم زمین خوردم. البته آن شب متوجه شدم که هر چیزی یک حکمتی دارد چون من اصرار داشتم گل را بنذیرم و آن دوست عزیز هم اصرار به دادن هدیه داشت اما بودن آن گلدان همراه من، باعث شد تا صورتم هنگام زمین خوردن آسیب نبیند. شاید به نظر برسد که این خاطره، بخش تلخ یلدا بود اما واقعا برای من خیلی چیزها را ثابت کرد و نشان داد محیط های کاری من خانواده من هستند. بچه های گروه مثل خانواده من کنارم بودند. وقتی بعد از دو ماه توانستم به برنامه برگردم، احساس می کردم هوایم را داشتند و آن خاطره گرچه تلخ، دوستی های قوی را بین ما شکل داد. نکته مهم دیگری که آن شب برایم داشت این بود که قبل از آن، بیشتر با رادیو کار می کردم و با بچه های تلویزیون خیلی شب یلدا را تجربه نکرده بودم اما آن یلدا دوستی های ماندگاری برایم به جا گذاشت.



شاهنامه ای که آخرش ناخوش است!

عباس محبی، بازیگر و گوینده رادیو: یلدا همیشه خاطره ساز است. در دوران کودکی ما تئور بود و کرسی. زغال را درست می کردند و در تئور می گذاشتند. آبگوشش را هم همین طور بار می گذاشتند. شب یلدا یک کدو می گذاشتند تا آماده شود. من و برادرم کدو را خورديم و چیزی برای شب نگذاشتیم. پدرم که آمده بود، می خواست شاهنامه بخواند. مثل نظامی های امروز بود و می گفت من از صبح زیاد حرف زدم و برای این که صدایم صاف شود، کمی از کدو می خورم. به مادرم اشاره کرد که کدو را بیاورد تا کمی بخورد و صدایش باز شود و بعد، شاهنامه بخواند. مادرم به من گفت کدو را از تئور بیرون بیاور. من هم مانده بودم چه کنم. پدرم فهمید. گفت: «کدو را خورده ای؟ شماها لیاقت شاهنامه ندارید!» پدرم به ما می گفت که آخرش شاهنامه برایم ناخوش شده و می خندید.



یلدای کودکی با رادیو

محمد فیلی، بازیگر: شب یلدا برای من خاطرات زیادی دارد. وقتی به ۷۰ سال قبل نگاه می کنم، خاطره های زیادی از آن زمان تاکنون برای مان مانده است. به خصوص آن زمانی که من در شیراز و کنار خانواده بودم روزهای خوشی برایم بود. البته الان هیچ کدام نیستند. آن دوران خوب را کنار خانواده گذراندم. گذراندن شب یلدا کنار خانواده، پراز خاطره است. خود یلدا شاید به نظر طولانی بیاید اما گذراندن این شب کنار خانواده آن را به سرعت کوتاه می کند. دوست داشتم این شب ادامه داشت و آن دورانی که کنار خانواده بودیم تکرار می شد. خیلی وقت ها وقتی در کنار خانواده بودیم، زود صبح می شد و خاطره سازی هم به پایان می رسید. قصه گفتن مادر بزرگ و پدر بزرگ در آن زمان بخش اصلی یلدای مان بود. رادیو را هم روشن می کردیم و منتظر می ماندیم تا گرم شود. تنها سرگرمی ما همین ها بود. در کنار آن همین قصه گفتن های بزرگ ترها، شب های خاطره انگیزی برای مان داشت.



یلدای ماندگار در روزنامه جام جم

هوشنگ توکلی، بازیگر تلویزیون: سال قبل شب یلدا به روزنامه جام جم دعوت شدم و آنجا بودم. خاطره خیلی خوبی برایم بود و ماندگار شد. بودن در آن جمع برایم خیلی خاطره انگیز بود. همه دوستان آن شب تلاش می کردند شب شادی برایم ماندگار شود. در آن شب با دوستان روزنامه جام جم فال حافظ خواندیم. این که برای اولین بار شب یلدا در یک رسانه حاضر باشیم، برایم جالب بود. در آن شب احساس کردم اهالی جام جم ارزش زیادی برای پیشگسوت ها قائل هستند و آن شب برایم خیلی ماندگار شد. البته خاطره یلدایی زیادی از کودکی دارم. پدرم عادت داشت از یک هفته قبل، تدارک آن شب را ببیند. بسته هایی که به خانه می آورد را مادرم باز نمی کرد و صبر می کرد شب یلدا برسد. آجیل، شیرینی یا هندوانه داشتیم و مهم ترین چیز برای ما انار بود. شاید اولین بار از دهان پدرم شنیدم که انار یک میوه بهداشتی است. این خاطره ها از کودکی با من مانده است. من هم از یک هفته قبل انارهای شیرین خریدم و کنار گذاشته ام تا به یاد گذشتگان آن شب را بگذرانیم و یلدا را با انار، شیرین کنیم.



۴۷ سالگی بازپرگ خاک سرخ

لاله اسکندری، بازیگر تلویزیون امروز ۴۷ ساله می شود. در کارنامه او بازی در سریال هایی مثل خاک سرخ، رسم عاشقی، رقص پرواز در چشم باد، سال های برف و بنفشه، همچون سرو، محکومین، خانواده دکتر ماهان و آهوی من مارال دیده می شود. او سال ۷۵ به واسطه خواهرش سارا اسکندری، وارد عرصه هنری شد. حدود دو سال کار گریم می کرد تا این که با یکی از کارگردان های سینما آشنا و وارد کار بازیگری شد. اولین کار جدی او در تلویزیون، خاک سرخ به کارگردانی ابراهیم حاتمی کیا بود. نقش دختری به نام لیلرا را در این سریال بازی کرد که در میانه سال های قبل از انقلاب خانواده اش را کم کرده و حالا بعد از گذشت سال ها از این موضوع، در پی پیدا کردن حقایق است.



روی موج

«شوگار» همراه با پیشگسوتان خاطره ساز

ویژه شب یلدا برنامه های متنوعی از سوی برنامه سازان رادیو و تلویزیون تدارک دیده شده که هر یک از شبکه ها با توجه به ماموریتی که به عهده دارند تلاش کرده اند تا ویژه برنامه های متنوعی را تدارک ببینند.

یکی از این شبکه ها، رادیو نمایش است و برای علاقه مندان به این شبکه این نوید را داریم که می توانند شنونده برنامه ویژه ای برای شب یلدا باشند. این برنامه به نام «شوگار» پخش می شود.

این برنامه رادیویی با حضور هنرمندان مطرح و پیشگسوت رادیو به آیین ها و رسوم شب یلدا در بین اقوام ایرانی و برگزاری این مراسم ها در بین خانواده ها می پردازد. در واقع برنامه سازان این شبکه رادیویی در تلاش هستند به تنوع مراسم ها در بلندترین شب سال بپردازند تا مورد توجه مخاطبان قرار بگیرد.

شوگار به تهیه کنندگی ریحانه بیزدان دوست، نویسندگی فاطمه حاتمی و ریحانه بیزدان دوست و با هنرمندی منوچهر آذری، عباس محبی و فرانک رفیعی، امشب ساعت ۲۲ تا یک بامداد از آنتن شبکه رادیویی نمایش پخش می شود.



چهره

۵۷ سالگی مهتاب نصیرپور

مهتاب نصیرپور ۵۷ سال پیش در چنین روزی در کازرون متولد شد و مدرک کارشناسی بازیگری و کارگردانی تئاتر را از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران گرفت. آغاز فعالیت او در تلویزیون، از سال ۱۳۶۸ بود. یکی از ماندگارترین سریال های تلویزیونی او، «و خداوند عشق را آفرید» بود که محصول گروه فیلم و سریال شبکه سه سیما و به کارگردانی محسن شاه محمدی روی آنتن رفت. این سریال با نگاهی متفاوت تلاش می کرد به موضوعات روز اجتماعی بپردازد. فیلمنامه این سریال به قلم خود کارگردان درباره وکیلی است که در هر قسمت با ماجراهای مختلفی مواجه می شود و این مشکلات همگی از وجه مشترکی چون فقدان عشق ناشی می شوند. در کارنامه نصیرپور بازی در تله فیلم و سریال های تلویزیونی مثل معمای یک قتل، سوء تفاهم، بازرس، نیمکت، توی گوش سالمم زمزمه کن، تهیدستان، خانه های اجاره ای و مجموعه و خداوند عشق را آفرید، دیده می شود. مهتاب نصیرپور در نخستین جشنواره تولیدات تلویزیونی صداوسیما در سال ۱۳۷۴ نیز به خاطر ایفای نقش در نمایش تلویزیونی معمای یک قتل، برنده دیپلم افتخار بهترین بازیگر زن شد.



جام جم

رسانه

MEDIA

چهارشنبه ۳۰ آذر ۱۴۰۱
شماره ۶۳۸۷

بینید و بشنوید

شبکه یک	
۱۱:۱۵	آفتاب شرقی
۱۶:۱۵	خلاصه پایش
۱۷:۵۵	ویژه برنامه «شب یلدا»
۲۲:۱۵	سریال «آزادی مشروط»
۲۳:۰۵	ادامه ویژه برنامه «شب یلدا»
شبکه دو	
۱۴:۲۰	کار خونه
	نیلوفرانه: این برنامه در ساختار نمایشی و با حضور دو بازیگر (معصومه بافنده و ابوالفضل همراه) جلوی دوربین رفته که در دل اتفاقات فی مابین این زوج به گفت‌وگو با بانوان و زنان موفق می‌رسد؛ در لابه‌لای برنامه ارتباط با کارشناسان درخصوص جنبه‌های جامعه‌شناسانه و روان‌شناسانه شخصیت‌های دعوت شده در برنامه طراحی شده است.
۱۸:۱۵	باران
۱۹:۳۰	خانه پرتقالی‌ها
۲۱:۱۰	ویژه برنامه «شب یلدا»

شبکه پنج	
۸	سلام تهران
۱۴:۲۵	بچه‌های ایران
۱۵:۳۵	ایران ایر

۲۰	مسابقه پنج ستاره: بزرگ‌ترین مسابقه تاریخ تلویزیون است که با طراحی و سناریویی جذاب تلاش می‌کند تا در فصل جدید تولیدات تلویزیون بتواند مخاطبان گسترده‌ای را پای خود بنشاند. این پروژه در چارچوب یک برنامه با گونه «مسابقه ـ بازی» است که عموم مردم با شرکت در این برنامه و حضور در آن، یکی از مهمترین چالش‌های خود را تجربه کنند.
۲۲	سلام تهران (ویژه برنامه شب یلدا)

شبکه افق	
۱۷:۳۰	عبای خاکی
۱۸:۳۰	روزهای انگلیسی
۲۰	پنج‌های کارآمد
۲۰:۳۰	چهل گره
۲۱	انارستان
۲۳:۳۰	سریال «ارمغان تاریکی»

شبکه آموزش	
۱۱:۳۵	راهش اینه
۱۳	دکتر سلام
۱۹:۴۵	دوربین هفت
۲۰	رویش
۲۱:۳۰	پرستاره

شبکه های رادیویی	
۸	رادیو صبا/ دو طرفه
۱۱:۲۵	رادیو جوان/ بازی باز
۱۲:۵۰	رادیو اقتصاد/ یک نکته یک استاد
۱۴	رادیو فرهنگ/ گزینه برتر (ویژه کنکور)
۱۸:۰۵	رادیو قرآن/ در مکتب وحی
۱۹:۰۵	رادیو سلامت/ یکی مثل همه
۲۲	رادیو ایران/ مستند ایران
۲۳	رادیو ورزش/ گزارش ورزشی (منچستر یونایتد -برنلی)